

**و خیلی از این موضوعات برمی گردد به اعمال سلیقه های شخصی. چرا که فرضا همین شخصیت ترنس شما بارها می شنود که محل بحث در تلویزیون شود اما نشود.**

بله متأسفانه. در تلویزیون این جور است که متن شما را چند نفر می خوانند و به جای اینکه نظرات کارشناسی بدهند نظرات سلیقه ای می دهند و براساس ممیزی است و اینقدر از آن کم و اضافه می کنند که آن دیگر متن من نیست و هیچ تاثیر گذاری هم ندارد چون واقعی نیست؛ نه روابط واقعی است و نه اتفاقات و نه شخصیت ها را در عالم واقعیت ملاقات می کنید.

### پس یعنی شما گاردی برای کار کردن در تلویزیون ندارید؟

گاردی ندارم، کار میکنم اگر بگذارند خودم باشم. اگر شرایط بهتر باشد چرا کار نکنم؟ همین الان من یک سریال کمدی برای تلویزیون نوشتم که قرار است کار بشود و نمیدانم چه اتفاقی برای آن می افتد. اما حرف من این است که اگر رسانه، رسانه ملی است نباید فقط از یک جناح خاص، یک اندیشه خاص و یک طیف خاص حرف بزند و حمایت کند چون با این کار یک بخش مهم جامعه از تصویری که در تلویزیون نمایش داده می شود حذف می شوند و بنابراین آن بخش مهم، بیننده کارهای این مدموم نخواهند بود. گروهی پویاست که نظرات مخالف و مختلف داشته باشد. ما در گروه خودمان هم این تفاوت آرا را داریم و گاهی پیش آمده که من با مصطفی مخالف باشم یا او با من مخالف باشد و طبیعی است. اما در تلویزیون هیچ نظر مخالفی جای ندارد و این رغبت آدم ها را برای کار کردن کم می کند. از طرف دیگر شرایط مالی صداوسیما در حال حاضر خوب نیست و گروه تولید وقتی میخواهند در تلویزیون کار کنند مدام نگرانی «پول» دارند و خیلی از آدم ها هستند که هنوز برای کارهای قبلی شان طلبکار هستند. من فکر میکنم اگر آن بخش اول درست بشود این بخش مالی هم خود به خود درست می شود. در آن شرایط آدم هایی مثل حسن فتحی، رضا عطاران و... کار می کنند و سیل بیننده را با خود می آورند. همین الان شما مهران مدیری، احسان علیخانی و سعید آقاخانی را از تلویزیون ما بگریزد دیگر این مدموم چه خواهد داشت؟ عادل فردوسی پور الان کجاست؟

### در برهوتی از برنامه سازی به سر می بریم که باز پخش خندوانه آمار اصلی بیننده را دریافت می کند!

دقیقا و چرا امید جوان کار نمی کند؟ روزی دیگر هم به مهران مدیری و احسان علیخانی هم فشار می آید و می روند سراغ تجربیاتی دیگر و تلویزیون را ترک می کنند و دیگر چه



یک بخشی از تایید از مردم عام گرفته می شود که مثلا خدارا شکر برای من وجود دارد و از مردم انرژی مثبت میگیرم، اما یک جایی از تایید هم برمی گردد به همکاران و کارشناسان که بتوانی با تایید آن ها ماندگار شوی. هر چند که هر باز یگری تجربه را در زانرهای مختلف را دوست دارد اما متأسفانه اینطور است که تو اگر کمدی بازی کنی دیگر مدام پیشنهاد کمدی به تو می شود و سینما یقنات را اول نمی کند!

برقرار میکند و با یکی دیگر نه! این را می شود از کامنت ها و نظرات فهمید. من عقیده ام این است که اگر به شعور مخاطب احترام بگذاریم، او هم دنبال کننده کار ما خواهد بود با شرط رضایت! مهم ترین چیزی که وجود دارد این است که با تماشاگر صادق باشید و این صداقت در «هم گناه» بود که مخاطب را جذب کرد. این که می گفت همه آدم های بد هم یک نقطه کوچک روشن در خودشان دارند و همه آدم های خوب هم حفره های تاریکی دارند و به طور محض نمیشود درباره آن ها قضاوت کرد.

**از ویژگی های مثبت برادران کبابی این است که در ست است پول برایشان مهم است، اما «فقط» پول برایشان مهم نیست و به مخاطب و سلیقه اش فکر می کنند و تنها منفعت شخصی را دنبال نمی کنند.**

ما اگر می خواستیم برای شبکه نمایش خانگی سریال بسازیم، ۶ سال پیش می توانستیم اولین سریالمان را بسازیم و پیشنهادش را هم داشتیم. همین الان هم پیشنهادات زیادی به ما برای ساخت فصل های بعدی شده است اما هنوز نپذیرفتیم. من و مصطفی این شرط را پیش خودمان گذاشتیم که اگر قصه بهتری بود «هم گناه» را ادامه می دهیم و اگر

چیزی می ماند؟ پس باید دنبال راه حل بود و این مشکلات را حل کرد چرا که این رسانه، رسانه ملی است و می تواند میلیون ها بیننده داشته باشد. به جای اینکه آدم ها را حفظ کنیم و بگویم با وجود نظرات غیرمشابه کارشان را بکنند آن ها را از خودمان میرانیم. مثلا مدیرها باید به رضا عطاران بگویند برو کارت را بساز و به ما برسان؛ این اعتماد درست است چون سودی دوطرفه دارد.

**من فکر میکنم فیلمنامه نویسان همیشه شرایط سختی برای اعتبارسنجی مخاطب و تشخیصشان دارند چرا که همان مخاطبی که «دل» را می بیند، «گرگدن» را هم دیده و «آقازاده» را هم تماشا می کند و پای ثابت «هم گناه» هم می شود؛ پس او سلیقه اش چیست؟! شما چطور به ارزیابی رسیدید؟**

مهم ترین نکته این است که همیشه مخاطب این را بداند که به شعورش توهین نشده است. خیلی اوقات خیلی از کارها دیده می شود اما وقتی پیگیر میشوی در همین فضای مجازی نقدهایی تند دربارش می خوانی. مردم تماشا می کنند اما آیا لذت می برند؟ مخاطب در خانه اش نشسته و گاهی میخواهد وقتش را بگذارد و با یک کاری ارتباط خوب